

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

شماره ۳۷ نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۸۸ اوت ۲۰۰۹

شماره ۳۷

toufan@toufan.org www.toufan.org

زنده باد نبرد زنان قهرمان ایران علیه جمهوری اسلامی



در این شماره می خوانید:

«تنفیذ و تحلیف» احمدی نژاد و شکاف در بطن ولایت

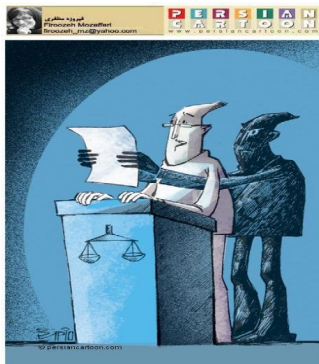
درص ۲

تجاوز به زنان در زندانها از زبان مهدی کروبی

درص ۳

پاسخ دندان شکن سندیکای کارگران شرکت واحد به اراجیف دادستانی

درص ۵



نمایش کثیف محاکمه زندانیان، کوس رسوایی و استیصال رژیم

درص ۷

رهبری جنبش یا سیاهی لشکر میرحسین موسوی؟

درص ۸

آرمان استخریان نوجوانی که در شیراز کشته شد

درص ۹

اعتراضات شبانه مردم تهران ادامه دارد

درص ۶

پیام همدردی دفتر خارجی حزب کارایران (توفان) به مناسبت

درگذشت زنده یاد کامبیز روستا، مبارز راه آزادی و استقلال

درص ۹

تحصن کارگران هفت تپه

درص ۶

۴۰۰۰ بازداشتی در روزهای اول درگیری ها از زبان خودشان

درص ۱۰

زمزمه حذف علی خامنه ای درص ۱۱

«تنفیذ و تحلیف» احمدی نژاد، شکاف در بطن ولایت و ادامه نبرد در خیابانها

مراسم مضحک «تنفیذ و تحلیف» احمدی نژاد رئیس جمهور تقلبی ولی فقیه، در شرایطی برگزار گردید که مردم شجاع و قهرمان ایران در خیابانها با فریاد مرگ بر دیکتاتور، خامنه ای قاتله، ولایتش باطله و زندان، شکنجه و اعتراف دیگر اثر ندارد " در مقابل نیروهای وحشی و آدمکش و تا بدنشان مسلح رژیم صف آرای کرد و خشم و نفرت خویش را از جلادان و خونریزان حاکم ابراز داشت. در تهران به رغم حضور گسترده نیروهای انتظامی و امنیتی، تظاهراتهای موضعی و تجمع های اعتراضی متنوعی در حوالی میدان شهدا و خیابانهای شمالی منتهی به میدان بهارستان برگزار گردید و مردم بویژه جوانان دختر و پسر بر ضد جنایت آفرینان تبهکار جمهوری اسلامی شعار داد و بی باکانه با هزاران نیروی بسیجی و پاسدار و امنیتی به مقابله پرداخت.

مافیای قدرت می پنداشت با توسل به شوهای مستهجن تلویزیونی و تواب سازیهای مسخره می تواند نمایش تنفیذ و تحلیف را به آرامی برگزار کند بطوری که آب از آب تکان نخورد. لیکن مردم ایران مقهور سرکوب گریها و اعتراف گیریهای مشمزنکننده نگردید و به پیکار بر حلقش علیه مستبدین حاکم ادامه داد. سناریوی ساختگی «انقلاب مخملی» و انگشت اتهام بسوی جنبش عادلانه و آزادیخواهانه مردم بعنوان دست دراز شده امپریالیسم با شکست مفتضحانه ای مواجه گردید و کسی آن را جدی نگرفت. مردم چنین توهین و تحقیری را بر نتابید و با اعتراض هر چند پراکنده و جنگ و گریز خیابانی و در قالب ندای الله و اکبر شبنانه، مراسم تنفیذ و تحلیف احمدی نژاد را به سرخه گرفت و داستان آرای ۲۵ میلیونی را بروی و رهبرش تلخ گردانید. "حماسه مشروعیت ۸۵ درصدی شرکت مردم در انتخابات" چون استخوانی در گلوی متولیان تاریک اندیش حاکم گیر کرده و احساس خفگی میکنند.

به یمن ارتباطات الکترونیکی و تواناییهای فنی نسل جوان، اعتراضات مردم در روز ۱۲ و ۱۴ مرداد ماه سریعاً در جهان منعکس گردید و همراه با همدلی و افشاگریهای ایرانیان مبارز و مترقی در خارج از کشور عرصه را بر رژیم اسلامی تنگ و آبرویی برای دستاربدان کودتاچی باقی نگذاشت. مردم ایران به نمایش مسخره تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری تف ریخت و بر استمرار و تداوم مبارزه علیه رژیم احمدی نژاد و خامنه ای و شرکاء تاکید ورزید. مردم ایران بویژه جوانان شجاع کشور چنان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی شورید و چنان ارکان حکومت را به لرزه درآورد که کسی را یارای انکار آن نیست. امروز دیگر سخن بر سر ابطال انتخابات و رای مرا پس بده نیست. سخن بر سر مرگ و دفن کردن نظام بربرمنش جمهوری اسلامی است که هر روز قربانی میگردد و برای بقای طفیلی اش به هر جنایت و دروغی مبادرت میورزد و حتا به یاران خودی نیز رحم نمی کند.

مراسم تنفیذ و تحلیف در شرایطی برگزار گردید که بخش بزرگی از بدنه رژیم مشروعیت انتخاب احمدی نژاد را به زیر سؤال برد و آن را به رسمیت نشناخت. عدم حضور هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس خبرگان و رئیس شورای مصلحت نظام و همینطور بی اعتنائی محمد خاتمی و انتقادات تند موسوی و کروبی به کودتای انتخاباتی و عدم حضورشان در مراسم تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری بحران حکومتی و شکاف عمیق در بطن ولایت را به نمایش گذاشت و نگاه مطبوعات و رسانه های بین المللی را به خود جلب نمود. صحنه مضحک خیز برداشتن احمدی نژاد برای بوسیدن دست سید علی خامنه ای که یاد آور دوران سلطنت پهلوی و چاکرمنشی هویدا و دیگر نوکران درباری بودو جا خالی دادن رهبر و بوسه احمدی نژاد به شانه وی و سپس ستودن رهبر از "شخصیت شجاع و صادق" رئیس جمهور و به ریشخند گرفتن تظاهرات میلیونی مردم و قلمداد کردن آن بعنوان «کاریکاتوری از انقلاب بهمن»، یک بار دیگر حمایتش را از احمدی نژاد و درستی نتایج انتخابات اعلام داشت و کوچکترین نرمنشی در قبال جناح رقیب نشان نداد. سیدعلی خامنه ای اما با چنین موضع گیری روشنی سرنوشت خویش را با محمود احمدی نژاد گره زده و تشدید بحران سیاسی و ادامه نزاع جناحهای درون حکومتی را نوید داد. تشدید این بحران باز هم بیشتر به تضعیف کل نظام جمهوری اسلامی و افراد آن می انجامد. مردم به عینه دیدند که کوه موش زائید و رایشان ملاحظه شد. ۴۵ روز نبرد خیابانی، تظاهراتهای با شکوه در مقابل باندهای چاقوکش لباس شخصی و نیروهای جهنمی سپاه و بسیج و شکنجه های وحشیانه در زندانهای کهریزک و اوین و به شهادت رسیدن بیش از ۱۵۰ نفر از جوانان پر امید میهن فضای عمومی کشور و ذهنیت مردم را بشدت تغییر داد و مردمانی که قبل از انتخابات به تغییراتی در چهارچوب نظام قانع بودند امروز اما به کمتر از سرنگونی و به محاکمه کشیدن رهبران جمهوری اسلامی رضایت نمی دهند. مردم ایران همانی نیست که قبلاً بود. ۴۵ روز پیکار جانانه علیه رژیم، نبرد جمعی و تن به تن در مقابل باند مسلح بسیجی و لباس شخصی، احساس همبستگی و یگانگی و ندای نترسیم نترسیم ما همه با هم هستیم و شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر علی خامنه ای.... روحیه انقلابی، تجربه گرانقدر و آموزش عملی به مردم داد که بی شک گنجینه مهمی در براندازی نظام جمهوری اسلامی است. رژیم ولایت فقیه نیز همانی نیست که قبل از انتخابات بود. رژیم امروز بشدت ضعیف شده و پشم و پیله ولی فقیه ریخته و کسی برایش تره هم خورد نمی کند. رژیم جمهوری اسلامی هیچگاه در طول ۳۰ سال اخیر اینچنین مفلوک و منفور و پیریشان و درهم ریخته نبوده است. این اوضاع آغازی برای پایان عمر این رژیم مافیایی است و تضادهای اجتماعی طبقاتی ایران آنچنان عمیق و حاد است که از هر جرعه کوچکی امکان بر خاستن حریق بزرگ و شعله ور شدن اعتراضات توده ای است. رژیم جمهوری اسلامی و در راس آن علی خامنه ای سرنوشتی جز سرنوشت رژیم منفور پهلوی نخواهد داشت. نبرد تا سرنگونی رژیم ضد انسانی و کثیف جمهوری اسلامی و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، آزادی بیان و عقیده، آزادی احزاب و سندیکا و اجتماعات، لغو شکنجه، برابری زن و مرد و احترام به حقوق انسانی همه آحاد مردم ادامه خواهد داشت. خود را برای تلاطمات آینده و رهبری مبارزه مردم آماده کنیم.

سرنگون باد رژیم فاشیستی سرمایه داری جمهوری اسلامی!

تجاوز به زنان در زندانها از زبان مهدی کروبی

نامه مهدی کروبی به رفسنجانی در مورد تجاوز به زنان در زندانها سروصدای زیادی کرده است. البته تجاوز به زنان در زندانها در تاریخ نظام جمهوری اسلامی تازه گی ندارد. این تجاوزات از روز ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ آغاز نگردیده است. تجاوزات جنسی و ضد بشری به زنان ایران از سالهای نخستین انقلاب بویژه پس از کودتای "امام" خمینی علیه جناح دکتر بنی صدر در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ و عزل وی و سپس کشتار خونین جوانان کشور و قلع و قمع سازمانهای سیاسی شدت یافته و همچنان ادامه دارد. در این مورد صدها سند و خاطرات تکان دهنده از زندانیان سابق انتشار یافته و در دست همگان قرار گرفته است. سازمان عفو بین الملل نیز بارها به تجاوز و تحقیر زندانیان بویژه زنان اشاره داشته است. در خبرنامه سازمان عفو بین الملل شماره ۴ مورخ آوریل ۱۹۸۵ در مورد تجاوز عنف به زنان و مردان زندانی در زندانهای جمهوری اسلامی چنین می خوانیم:

"گزارش می رسد که زندانیان سیاسی در ایران، در صدها بازداشتگاه مخفی پراکنده در سرتاسر کشور شکنجه می شوند و با آن ها بد رفتاری می شود. بسیاری از این اماکن از سوی ساواک پلیس مخفی دوران شاه، به همین منظور مورد استفاده قرار می گرفت... آنچه که در پی می آید بر مبنای [اطلاعات] و مواد گوناگون و گسترده ای است که از جمله از مصاحبه های شخصی، با تعداد زیادی از زندانیان سیاسی سابق که در خارج از ایران زندگی می کنند، طی سالها، فراهم آمده است... گونه های دیگری از شکنجه جسمی که از ۱۹۸۰ تاکنون از طرف قربانیان پیشین به عفو بین الملل گزارش شده است شامل مواردی می شود مثل ساعت ها آویخته شدن با بدن کج، در حالی که یک بازو از روی شانه به پشت کشیده می شود و از پشت به دست مقابل بسته می شود، سوزاندن با برق و یا با سیگار، و انواع مختلف تجاوزهای جنسی، از جمله تجاوز به عنف به مردان و زنان زندانی. زن ۲۳ ساله ای که عضو هیچ سازمان سیاسی نیست و کارش خدمات اجتماعی داوطلبانه بوده به عفو بین الملل از نحوه بد رفتاری ها و شکنجه هایی که دیده چنین گزارش داده است. او دو بار از طرف پاسداران در تهران دستگیر گردیده بود. بار دوم، در اواخر ۱۹۸۲، وی به مدت پنج هفته در یکی از ساختمان های کمیته در "انفرادی" نگه داشته شده است. و در طی این مدت بارها درباره وابستگی های سیاسی فرضی اش مورد بازجویی قرار گرفته و اسامی رفقاییش را از وی خواسته اند. در یک موقعیت از او خواسته اند لباسش را بکنند [برهنه شود] و مجبورش ساخته اند از دهان و از مقعد در وی دخول کنند. او باکره بوده است..."

آقای کروبی، موسوی، رفسنجانی و خاتمی از جمله کسانی هستند که در آن دوران سیاه از شکنجه و اعدام و تجاوز به زنان و سرکوب خونین مخالفین دفاع کرده و هنوز هم بیش مانده از مواضع امامشان دفاع میکنند. اگر آقای کروبی به انتقاد خود نسبت به شکنجه و اعدام و تجاوز به زنان در زندانهای رژیم صادق است ابتدا باید به نقش خود و یاران خط امامی اش، آقایان موسوی، رفسنجانی، خاتمی و غیرو در سالهای ۶۰ بپردازد و تکلیفش را در قبال آن فجایع دهشتناک روشن نماید. در غیر این صورت مردم سخنان ایشان را را جدی نمی گیرد و نخواهد گرفت. مردم ایران تجاوز و کشتار زندانیان بیگناه در سالهای ۶۰ را هرگز فراموش نخواهد کرد و مسببین آن را نخواهد بخشید. ملت زجر کشیده ایران برای محاکمه همه سران و دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی که بیش از صد هزار نفر از زنان و مردان این سرزمین را که جز سعادت و خوشبختی مردم و آزادی و سر بلندی ایران نمی اندیشیدند، تیرباران نمودند، بیتابی میکند و آقای مهدی کروبی نیز یکی از این متهمین است که باید در دادگاه خلق ایران محاکمه و پاسخگویی صدها سؤال بی پاسخ مادران و پدران داغدار ایران باشد. در زیر بخشهایی از نامه همراه با مقدمه آن از تارنمای سحام نیوز نقل میگرد.

در زیر قسمتهایی از متن نامه با مقدمه آن را از سایت سحام نیوز ملاحظه فرمایید:

مهدی کروبی از هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس خبرگان خواست با تشکیل يك هیات به برخی شایعات و نحوه برخوردها با بازداشت شدگان رسیدگی شود. حسین کروبی فرزند او در این باره گفت: پدرم این نامه را حدود ۱۰ روز پیش خطاب به آقای هاشمی نگاشت و آن را برای ایشان به طور خصوصی ارسال کرد. ایشان تاکید داشت آقای هاشمی حتما به این نامه پاسخ دهد و اقدام لازم را انجام دهد. متأسفانه آقای هاشمی پاسخی به نامه ایشان نداد. پدرم تاکید کرده بود اگر تا ۱۰ روز پاسخی به نامه داده یا اقدامی صورت نگیرد، نامه را منتشر می کند. حسین کروبی درباره مسائل مطرح شده در نامه، گفت: اساسنامه، بر نگرانی آقای کروبی استوار است. ایشان نگران آنچه گروه های بیگانه و غربی درباره نحوه رفتار با بازداشت شدگان بیان می کنند، هست. این روزها بسیاری از افرادی که آزاد شده اند، به دیدار پدرم آمده و ماجرای رفتاری را که ضابطان و ماموران با آنها داشتند، برای وی بیان کرده اند. آنها آنچه را دیده و شنیده به دقت گفته اند. طبیعتاً نحوه رفتار برخی از ضابطان با بازداشت شدگان خصوصاً زنان و دختران، در شأن جمهوری اسلامی و هیچ نظام دیگری نیست. وی تاکید کرد: آنچه در نامه آمده، نه تنها دغدغه و نگرانی آقای کروبی است، بلکه من فکر می کنم هر کس که این شایعات را خصوصاً درباره وضعیت زنان و اتفاقاتی که درباره آنها در حال انجام است، می شنود، نگران می شود و علاقه مند است، این لکه ننگ را اگر وجود دارد پاک کند. البته ما امیدوار هستیم تمام این خبرها و شایعات تکذیب شود. بنابراین همین گزارش متن کامل نامه مهدی کروبی به هاشمی رفسنجانی به این شرح است:

حضور محترم آیت الله هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری
با سلام و احترام

کروبی نامه اش را چنین آغاز میکند: "بعد از برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، حوادث تلخی به وجود آمد که به طور مفصل در خصوص آن، هم از سوی جنابعالی، هم از سوی افراد، گروه‌ها و رسانه‌های مختلف به آن پرداخته شد. از دستگیری‌های بی‌حساب و کتاب، از ضرب و شتم و وارد کردن جراحات تا شهادت فرزندان این کشور، از حمله به خانه‌های مردم تا فاجعه خونین کوی دانشگاه و برخوردهای خشن و وحشت‌انگیز حتی با خانم‌ها در سطح خیابان‌های شهر - که تاکنون سابقه نداشته است - رخ داد که بسیار قابل تأمل و پیگیری است. آنچه در این میان مطرح است در خصوص برخی از رفتارهای شناخت‌آمیز است که اگر به طور متواتر از افراد مختلف که در روزهای اخیر آزاد شده‌اند، نشنیده بودم، باورش‌ناحداقل برای من و شما که در طول قریب به نیم قرن سردی و گرمی روزگار را چشیده‌ایم سخت بود.

از برخوردهای خشن و بی‌محابا، بر سر مردم باتوم را خرد کردن، آنچنان که بعد از گذشت قریب به ۴۰ روز همچنان اوضاع‌عشان غیرعادی است و عوارض آن روی بدنشان قابل مشاهده است. هتاک و ابراز دشنام و فحاشی رکیک به افراد و نثار نوامیس بازداشت‌شدگان و مردمی که برای نماز جمعه آمده بودند صورت گرفت."

کروبی در مورد فجایع اخیر در زندان و تجاوز به زنان چنین نوشته است:

..... "اما موضوعی را شنیده‌ام که هنوز از آن بر خود می‌لرزم. در دو روز اخیر که این خبر را شنیده‌ام خواب از سرم رفته شده است. حدود ساعت دو که خود را برای خواب آماده می‌کردم. به بسترم رفتم ولی خدا شاهد است که بدون ذره‌ای مبالغه، خوابم نبرد، تا ساعت ۴ بامداد که مجدداً بلند شدم کمی قرآن خواندم، دوش گرفتم تا آب کمی آرام کند، حتی نماز صبح را نیز خواندم و تا نزدیکی‌های طلوع آفتاب خوابم نبرد..... افرادی این مطالب را به من گفته‌اند که دارای پست‌های حساس در این کشور بوده‌اند. نیروهای نام و نشان داری که تعدادی از آنها نیز از رزمندگان دفاع مقدس بوده‌اند. این افراد اظهار داشته‌اند، اتفاقی در زندان‌ها رخ داده است که چنانچه حتی اگر یک مورد نیز صدق داشته باشد، فاجعه‌ای است برای جمهوری اسلامی که تاریخ درخشان و سپید روحانیت تشیع را تبدیل به ماجرای سیاه و ننگین می‌کند که روی بسیاری از حکومت‌های دیکتاتور از جمله رژیم ستمشاهی را سفید خواهد کرد..... عده‌ای از افراد بازداشت‌شده مطرح نموده‌اند که برخی افراد با دختران بازداشتی با شدتی تجاوز نموده‌اند که منجر به ایجاد جراحات و پارگی در سیستم تناسلی آنان گردیده است. از سوی دیگر افرادی به پسرهای جوان زندانی با حالتی وحشیانه تجاوز کرده‌اند به طوری که برخی دچار افسردگی و مشکلات جدی روحی و جسمی گردیده‌اند و در کنج خانه‌های خود خزیده‌اند."

کروبی در پایان نامه اش به رفسنجانی چنین پیشنهاد داد:

با توجه به اهمیت مساله انتظار است این اقدام توسط هیاتی بی‌غرض و شفاف از طرف رئیس مجلس خبرگان رهبری مورد بررسی و پیگیری تا حصول نتیجه قرار گیرد. تا درسی برای آیندگان شود و فرصت به ارادل و اوباشی از این دست ندهد تا آبروی نظام و امام و جمهوری اسلامی را بر باد ندهند و خدمات هزار ساله روحانیت را مخدوش نمایند. به عنوان آخرین مطلب نیز یادآور می‌شوم از این نامه دو نسخه تهیه گردیده که یکی مهر و موم شده برای جنابعالی ارسال و دیگری نزد بنده قرار دارد. با آرزوی توفیق - مهدی کروبی
۱۳۸۸/۵/۷

نابود باد رژیم زن ستیز و جنایتکار جمهوری اسلامی



پاسخ دندان شکن سندیکای کارگران شرکت واحد به اراجیف دادستانی

دادستان تهران در ۱۱ مرداد ماه ۸۸ کیفرخواستی را پیرامون اعتراضات بعد از انتخابات و دستگیرشدگان اخیر قرائت کرد و جنبش عظیم و برحق و عادلانه مردم ایران و از جمله سندیکای شرکت واحد تهران را به موسسات برانداز نظیر "صندوق مالی و دموکراسی" آمریکا نسبت داد.

رژیم جمهوری اسلامی اولین بار نیست که بیشرمانه اعتراضات دموکراتیک مردم را به خارج و استعمار می چسباند تا از این طریق هر عمل ضد انسانی و جنایتکارانه اش را توجیه نماید.

تاریخ جمهوری اسلامی تاریخ ۳۰ شعارهای دروغین ضد امپریالیستی بوده و با همین ترنمهای ارتجاعی مبارزات واقعی، انقلابی و مترقی مردم زحمتکش ایران اعم از کارگران، زحمتکشان، دانشجویان و زنان را سرکوب کرده و ایران را به زندان کهریزک همه آزادیخواهان تبدیل کرده است. توطئه گران، کودتاچیان و قصابان جمهوری اسلامی همانند سربازان گریخته از جنگ، در زیر درختی پناه برده و از هر سو خود را در محاصره می بینند. هر برگی که به زمین فرود می آید رژیم را از جا می پراند، وی از سایه اش می ترسد و به همه بد بین است. هر ندایی را با گلوله پاسخ میدهد. هر منتقدی را به بند می کشد و همانند رژیم منفور شاه وی را به خارج می چسباند. انقلاب مخملی نیز ورد زبان رژیم ولایت و قیح شده و با توسل به تئوری انقلاب نرم به خودیها نیز رحم نیم کند و به هر سو شلیک میکند. وی نمی تواند و یا نمی خواهد بپذیرد که مردم جان به لب آمده ایران بپاخاسته اند و رژیم کثیف، ضد بشری و آدمکش سرمایه داری اسلامی را نمی خواهد. جمهوری اسلامی مبارزات مردم میهن را به اجنبی می چسباند غافل از اینکه کشتار و آزار و شکنجه وحشیانه معترضین و نارضایتی عمومی بهترین خدمت به امپریالیسم و صهیونیسم است و رژیم چنین نقشی را بخوبی ایفا کرده و میکند.

به بند کشیدن کارگران شریف و زحمتکش شرکت واحد و شکنجه وحشیانه منصور اسالو دبیر سندیکای شرکت واحد و توطئه ضد انسانی علیه او، عین خدمت به امپریالیسم و استعمار است و سران رژیم را باید به جرم ترور و جنایت در دادگاه خلق ایران محاکمه و مجازات نمود. سندیکای کارگران شرکت واحد به ادعای دادستانی تهران پاسخ دندان شکنی داده و مقهور پرونده سازی، ارباب و توطئه جمهوری جنایتکار اسلامی نگردیده و از حقوق عادلانه و فعالیت مستقل خویش به دفاع برخاسته است. حزب ما ضمن دفاع قاطعانه از حقوق کارگران شرکت واحد، خواهان آزادی اعضای این سندیکا و رهبرش منصور اسالو از زندان است و ادعای دادستانی تهران را بشدت محکوم میکند.

در زیر به پاسخ سندیکای کارگران شرکت واحد به ادعا نامه دادستانی تهران ملاحظه فرمائید.

* * * * *

جوابی مختصر به ادعای دادستانی تهران در مورد سندیکای کارگران شرکت واحد

در یازدهم مرداد ۱۳۸۸ دادستان تهران کیفرخواستی را در خصوص حوادث پس از انتخابات و دستگیرشدگان اخیر قرائت کرد که در آن به سندیکای کارگران شرکت واحد نیز اشاره شده است. سندیکای کارگران شرکت واحد وظیفه خود میداند که به اعضایش و جنبش کارگری در رابطه با این مسائل توضیح دهد چرا که منصور اسالو در زندان میباشد و پرونده سازی برای سندیکا یعنی پرونده سازی برای دیگر نهادهای جنبش کارگری.

در بند ۴ کیفرخواست دادستانی این گونه ذکر شده است ۴- زیر مجموعه کارگری؛ اگر به یاد داشته باشید در سال های گذشته سندیکای اتوبوسرانی اعتصابی را ایجاد کرده بود که رهبری آن را فردی به نام منصور اسالو برعهده داشت. این جالب است که افرادی به دلایل مختلف از جمله عقب افتادگی دستمزد خود دست به اعتصاب می زنند اما حواسشان نیست که موسسات برانداز در آمریکا مانند صندوق مالی و دموکراسی و ... به صورت آشکار به موسسات دیگر چندین میلیون دلار پول می دهند تا به سندیکاهای NED موجود است. علت دسترسی آسان به این اسناد را NED کارگری در ایران کمک شود. تمامی اسناد این کمک ها در وب سایت سازمان می توان تظاهر سازی دانست. خیلی از افراد معتقدند که اینها چون مخفی کاری انجام نمی دهند پس به دنبال مطلب و مسأله خاصی نیستند.

ما نمیدانیم که این بخش را چه کسانی تنظیم کرده اند ولی محرز است که این نوشته تنظیم اش بدور از شناخت از سندیکا و شخص اسالو است. نویسندگان این کیفرخواست در بخشهایی در خارج هستند و سعی کرده اند که درایت اشان را در عرصه بین المللی نشان دهند و بیشتر در جهت مرعوب کردن بوده برای ترساندن جنبش کارگری، ما به چند مورد این کیفرخواست که بی اساس است میپردازیم: یک: اسم آقای اسالو را اسالو نوشته حتی اسم واقعی اشان را نمیدانسته اند.

دو: اعتصاب سندیکا را به عقب افتادگی دستمزد نسبت داده اند در صورتی که آن اعتصاب در رابطه با عقب افتادگی دستمزد نبود و دیگر موسسات در کجای این قضیه بوده است. NED سه: ارتباط سندیکا با

در سایت اش قابل دسترسی است چرا همانطوری که در دیگر بندهای آن کیفرخواست به NED چهار: طبق گفته خودشان کلیه اسناد ذکر مبلغ و ارتباط پرداخته شده از سندیکا هم به همان نسبت شفافیت داده میشد و خودشان بهتر از هر کسی گفته اند که سندیکا مخفی کاری انجام نمیدهد.

سندیکا تشکیلی مستقل و کاملاً صنفی است و برای ایجاد شرایط بهتر و آگاهی کارگران بوجود آمده و به هیچ گروه و حزب و حتی دولت و کارفرمایی وابسته و زیر سلطه نیست و هیچ خط و ربطی هم نمیگیرد

-سندیکا تشکلی بین المللی میباشد و هر گاه در هر نقطه جهان در مورد هر تشکل کارگری بیعدالتی شود سندیکاهای دنیا از یکدیگر حمایت میکنند و همانطور که شاهد بودید در مورد سندیکای شرکت واحد هم این حمایتها شد

سندیکای کارگران شرکت واحد بعد از ثابت شدن بی کفایتی شوراهای اسلامی کار توسط گروهی از کارگران حق خواه بنا شد و در این راه توانست با عزمی راسخ حقوق معوقه کارگران را زنده کنند اما به خاطر این چنین قضاوت های نابه جا، گروهی از این کارگران آزادی خواه و حق طلب بعد از گذشت چند سال همچنان در راه رسیدن به حقشان با بی عدالتی و محرومیت از حقوق اجتماعی مواجه هستند. و دو نفر از اعضای این سندیکا همچنان در زندان به سر می برند

سندیکای کارگران شرکت واحد از زمان بازگشایی با روحیه آهنین به فعالیتش ادامه داده و بر اصل ضدیت خود با استعمار، استکبار و استبداد پا فشاری کرده و در مبارزه اش برای بی حقوقی و بی عدالت، استقلالش را حفظ کرده، و مقهور پرونده سازی هیچ نهادی نشده است و در راه رسیدن به خواسته هایش از هر نوع ابزاری که اعضایش صحیح بدانند استفاده خواهد کرد و در این راه جنبش کارگری همانند همیشه از این عمل سربلند بیرون خواهد آمد و نیازی به فعالیتهای مخملی نمیبیند.

جنبش کارگری ایران سالیان گذشته به عنوان محافل ضد کارگری معرفی شد و در سال گذشته به این هم بسنده نکرده و در وحشت از گسترش جنبش مستقل کارگری و ایجاد وحدت و همدلی بیشتر در میان کارگران و فعالین کارگری سعی کردند با اتهام زنی های بی سند و مدرک و تخریب چهره های فعال کارگری به اهداف خود برسند. اما هوشیاری فعالان کارگری در بی اعتنائی به این جو مسموم توطئه ی آنان راخنثی کرد. و حال ما شاهد هستیم که این امر از دست عواملشان بیرون آمده و خود دستگاه قضایی میخواهد این کار را انجام دهد که مثل سابق جنبش کارگری در مقابل این اتهامات خواهد ایستاد و خواهان آزادی فعالینش خواهد شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه

تحصن کارگران هفت تپه

طبق اطلاعیه کانون مدافعان حقوق کارگر: کارگران هفت تپه روز جمعه ۱۶ مرداد ماه در محل کارخانه دست به تحصن زدند. این تحصن با صدای سوت کارگران آغاز گردید. هنگامی که نمایندگان شورای فرمایشی خواستند در مساله دخالت کنند کارگران با گفتن اینکه چه کسی به شما رای داده و شما را انتخاب کرده که حالا می خواهید مداخله کنید، اجازه ی مداخله را به آنها نداده اند. شعارهایی نیز علیه مسوول کارت زنی داده شد.

خواسته های کارگران در این اعتراض به شرح زیر است:

- ۱- اجرا شدن طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش دستمزدها و حقوق ها
- ۲- حل شدن مساله اضافه کار (مشکلاتی در نحوه و میزان پرداخت دستمزد اضافه کاری ها برای کارگران وجود دارد)
- ۳- زدن کارت ورود و خروج. این مساله روال عادی این واحد تولیدی نبوده است و اکنون که این طرح اجرا می شود برای کارگران مشکلاتی پیش آمده است. از جمله اینکه روزهای جمعه در ماه هایی از سال که فصل برداشت نیست، کارگران تا ساعت ده در کارخانه حاضر بوده و سپس به منازل خود برمیگشتند اما با اجرای این طرح مجبورند روزهای جمعه هم تا پایان ساعت اداری در محل کار خود باقی بمانند. در نتیجه از تنها فرصت برای بودن با خانواده هایشان محروم می شوند.
- ۴- جلوگیری از اخراج کارگران موقت. این کارگران با تلاش سندیکا قرار بود رسمی شوند اما اکنون به دستور مقامات بالاتر تهدید به اخراج شده اند.

اعتراضات شبانه مردم تهران ادامه دارد

طبق گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی، سه شنبه ۲۰ مرداد ماه، « درنواحی و مناطق مختلف تهران همانند شبها و هفته های گذشته با ندای الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور خواستار بر چیده شدن دیکتاتوری ولی فقیه در ایران شدند.

مردم تهران بصورت خانوادگی بر بام منازل، کوچه ها و خیابانهای فرعی حاضر شدند و شعار رسای مرگ بر دیکتاتور را سر دادند و اسیران بی دفاع را در معرض دستورات درنده خوی خود قرار می دهد. مردم با شنیدن دناوت و ردالت با اسیران بی دفاع در زندانهای ولی فقیه به خشم آمده اند. و امشب در بعضی مناطق بصورت گسترده حتی آنهایی که تا قبل از این با همسایگان خود از سر دادن شعارها مخالفت می کردند خود به سر دادن بانگ الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور پرداختند مردم اکثر مناطق بر پشت بامهای خود حاضر بودند که از جمله آنها؛ جنت آباد، صادقیه، ونک، آزادی، تهران پارس، توحید، ستارخان، تجریش، سید خندان، مطهری، تخت طاووس، میر داماد، جمهوری، فیطریه، شمس آباد که از ساعت ۲۲:۰۰ آغاز و تا ساعت ۲۲:۳۰ ادامه یافت شدت اعتراضات در تجریش، توحید، صادقیه بیشتر از دیگر مناطق تهران بود. نیروهای سرکوبگر ولی فقیه که مورد نفرت مردم هستند سرخورده و مایوس در بعضی از مناطق بصورت گله ای پرسه می زنند.»

نمایش کثیف محاکمه زندانیان، کوس رسوائی و استیصال رژیم

نخستین نشست بیدادگاه متهمان "اغتشاش و آشوب و متهمین پروژۀ شکست خورده کودتای مخملی" در سالن اجتماعات اداره کل دادگستری تهران، روز شنبه ۱۰ مرداد با سخنان صلواتی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی آغاز شد. در میان متهمین در نشست بیدادگاه که نزدیک به ۱۰۰ نفر حضور داشتند، چهره های شناخته شده ای نظیر بهزاد نبوی عضو شورای مرکزی سازمان انقلاب اسلامی، میر دامادی دبیر کل حزب مشارکت، امین زاده عضو شورای مرکزی حزب مشارکت، عطریانفر عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران، محمد ابطی عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز، صفایی فراهانی عضو شورای مرکزی حزب مشارکت، رمضانزاده عضو شورای مرکزی مشارکت... و شماری دیگر از زندانیان ناشناخته به چشم میخوردند.

این نمایش مضمّن کننده و ضد بشری در شرایط "عدم اطلاع و حضور وکلا در دادگاه و نیز عدم ملاقات وکلا با موکلین از آغاز دستگیری تا روز دادگاه، عدم تفهیم اتهام، بازجویی های طولانی مدت که به گفته برخی از متهمان هنوز هم ادامه دارد، نگهداری متهمان در سلول انفرادی، استفاده از انواع شکنجه های روحی، عدم ملاقات با خانواده... " برگزار گردید. جناح حاکم با توسل به همه مبانی و موازین اسلامی که مورد تائید و استفاده همه این متهمین در گذشته بود به میدان آمد و به مصلحت اسلام تکیه کرد، هدف رژیم از این عمل ضد انسانی تدارک پرده سوم کودتا و اعتراف گیری های بیشمارانه و چسباندن جنبش مردمی به جنبش مخملی تحت رهبری امپریالیسم و استعمار و سرکوب خونین جناح اصلاح طلب و یک دست کردن جناح حاکم و ادامه سرکوب و قلع و قمع جنبش مردم ایران می باشد. سناریوی چنین برنامه ای در نشریات جناح احمدی نژاد بویژه در کیهان شریعتمداری بازتاب یافته است: "اکنون که دانه های ریز اعتراف کرده اند باید به سراغ دانه های درشت رفت و کار را یکسره کرد". این دانه های درشت کسانی جز محمد خاتمی، موسوی، کروبی و رفسنجانی نیستند. جناح کودتاگر حاکم، عزمش را جزم کرده تا با تشدید تضادها و تا قبل از سازمانیابی جناح اصلاح طلب آن ها را متلاشی و از صحنه سیاست خارج کند. سخنرانی علی خامنه ای در نماز جمعه ۲۹ خرداد ماه نقطه عطفی در تاریخ نظام جمهوری اسلامی بود. نقطه عطفی که راهی برای اصلاح طلبان درون حکومتی باقی نگذاشته است. دفاع قاطعانه علی خامنه ای از احمدی نژاد و تاکید بر سلامت انتخابات کذایی و رد هرگونه اتهام به تقلبات انتخاباتی اعلام جنگ به یارانی بود که در طول سی سال حکومت جمهوری اسلامی در کودتاهای مشابه علیه رقبای حکومتی و کشتار و سرکوب مردم ایران شریک بوده و اینک برای نجات نظام جمهوری اسلامی به میدان آمده تا با کنترل جنبش آزادیخواهانه مردم آنرا به چهارچوب قانون اساسی بکشند و از پیشروی و رادیکالیسم انقلابی اش باز دارند. سخنرانی علی خامنه ای یک نه بزرگ به جناح اصلاح طلب بود و بر هرگونه توهم و خوشبینی نسبت به تحول پذیری رژیم جمهوری اسلامی مهر باطل کوید.

بساط بیدادگاههای جمهوری اسلامی تازه گی ندارد. هزاران کمونیست و انقلابی ترقی خواه در سالهای ۶۰ تا ۶۷ بدون هیچ گونه محاکمه ای و پس از وحشیانه ترین شکنجه های روحی و جسمی به جوخه های اعدام سپرده شدند. گورستان خاوران سند زنده چنین جنایتی است. آقایان ابطی، بهزاد نبوی، همه حضرات مجاهدین انقلاب اسلامی و دیگران، این فرزندان جمهوری اسلامی که امروز خود قربانی چنین نظام کثیفی شده اند در شکل گیری آن ماشین سلاخی نقش داشته و هرگز از حقوق انسانی و اولیه انقلابیون و کمونیستها در زندان دفاع نکرده و ضدیت خویش را با نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان بارها نشان داده اند. کمونیستها دمکراترین انسانها هستند. اگر ما کمونیستها این نمایشات چندش آور و اعتراف گیریهای ضد بشری را محکوم کرده و از حقوق انسانی و دموکراتیک هر متهمی از جمله آقایان ابطی و شرکاء دفاع میکنیم نه یک امر تاکتیکی بلکه از ماهیت عمیقاً کمونیستی و دموکراتیک ما بر می خیزد که حقوق بشر را امری طبقاتی و تجزیه ناپذیر تحلیل میکنیم و بدان ایمان داریم.

حزب ما برگزاری بیدادگاه نمایشی و جعلی جمهوری اسلامی که توهین به انسان و انسانیت است را بشدت محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی است. رژیم کودتا در حال دست و پا زدن است و از جنبش عظیم مردم به وحشت مرگ افتاده است. این نمایشات اعتراف گیری ناشی از استیصال، کرم زدگی درونی و میرندگی آن است. این نمایشات کذایی برخلاف تصور ابلهان حاکم تأثیر عکس بر مردم خواهد گذاشت و گذاشته است. مردم بار دیگر می بینند که "رافت اسلامی" چه صیغه ایست. خشم مردم شعله ورتر خواهد شد و قاطعانه تر برای سرنگونی این نظام فاسد و ارتجاعی به میدان خواهد آمد.

سرنگون باد رژیم فاشیستی و سرمایه داری جمهوری اسلامی!

آزادی فوری همه زندانیان سیاسی!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم راهی بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

۱۲ مرداد ۱۳۸۸

رهبری جنبش یا سیاهی لشکر میرحسین موسوی؟



در میان نیروهای سیاسی بر سر حمایت از جنبش مردم و شرکت در آن بحث سابقه داری در گرفت. توده پرستان بار دیگر به میدان آمدند و مدعی شدند که ما باید همان شعارها و خواسته‌هایی را تکرار کنیم که توده مردم بر زبان می‌آورند. "سازمان فدائیان خلق اکثریت" که جریانی خودفروخته است از این قماش بود. طبیعتاً ایجاد محدودیت برای تعقل، نفی نقش نیروی آگاه، دنباله روی از پی جماعت به بهانه اینکه توده مردم این یا آن را گفته اند و "ابهت مردمی" را وسیله ارباب ساختن تا گمراهی مداومت یابد، تنها به مفهوم آن است که عنصر آگاه و با تجربه مهار خویش را بدست جماعت ناآگاه بسپارد. این به مفهوم آن است که یک جنبش فاقد رهبری و گنج و ویج بهتر از یک جنبش آگاه و با دورنماست.

این توده پرستان همه را دعوت می‌کنند و می‌کردند که همان شعارهای مردم را تکرار کنیم و بپذیریم که موسوی رهبر ماست و جنبش ما دارای رنگ سبز است و هدفمان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست. آنها در واقع عصای دست میرحسین موسوی بودند. آنها همدست یک جناح حاکمیت اسلامی بر ضد جناح دیگر می‌شدند. آنها در حقیقت سیاهی لشکر میرحسین موسوی، هاشمی رفسنجانی، ناطق نوری و... بر ضد مصباح یزدی، مجتبی خامنه‌ای، ولی فقیه و جنتی و... بودند. توده مردم در جنبش شرکت می‌کرد، قربانی می‌داد، فداکاری می‌کرد تا جناح رفسنجانی با سواری گرفتن از مردم از جناح خامنه‌ای امتیاز بگیرد. این توده پرستان که راه افتاده بودند و همه را تشویق می‌کردند که به طوطی تکرار شعارهای مردم بدل شوند و از خودشان ابتکاری نداشته باشند یا جاهل اند و یا عامل هاشمی رفسنجانی و فلاحیان مبتکران قتل‌های زنجیره‌ای در ایران.

عنصر آگاه انقلابی وظیفه اش هرگز دنباله روی از توده‌ها نیست و نبوده است. ولی عنصر آگاه انقلابی باید در جنبش شرکت کند، به جنبش جهت دهد، مردم را در سوی صحیح هدایت کند و به آنها آموزش دهد. طبیعتاً اگر هدف عنصر آگاه هوادار یکی از جناحین حاکمیت که ضد انقلابی است، این باشد که میرحسین موسوی به جای احمدی نژاد قاتل دکنتر سامی بنشیند، آنوقت تلاش در این است که خواسته‌های مردم را محدود کرده و مانع انکشاف آنها شود. در حالیکه یک عنصر انقلابی و آگاه در جهت این حرکت می‌کند که به مردم ثابت کند که راه نجات ایران نه در تعویض جناح‌های حاکمیت بلکه در نفی تمامیت این نظام نهفته است و باید شعار سرنگونی این نظام را ترویج کرد و تبلیغ نمود تا مردم به لزوم این سرنگونی و این که راه رهائی و گام اولیه در استقرار یک ایران دموکراتیک و آزاد خواهد بود واقف شوند. اگر قرار باشد چنین اقدامی صورت نگیرد و طوطی وار مردم به سپر بلای رفسنجانی‌ها بدل شوند آنوقت این تسلسل و دور باطل، این شرایط انتخاب میان وبا و طاعون تا ابد ادامه دارد. وگرنه باز در چهار سال دیگر پرسش امروز در پیش پای مردم است و باید به آن پاسخ داد. باین جهت تبلیغ لزوم سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تبدیل آن بیک نیروی مادی که طبیعتاً در نتیجه تجربه عملی خود توده‌ها نیل به آن ممکن است باید در دستور کار نیروهای انقلابی قرار گیرد و باید این طلسم توده پرستی و دنباله روی از توده را بشکنند و به عنوان نیروی انقلابی آگاه به روند مبارزه مردم برخورد کرده و تنها با این دورنما در رهبری آن شرکت کنند و مانع شوند تا بیشترین صدمات به آن بخورد. رهبری کمونیستی در این جنبش به مفهوم حفظ جنبش نیز هست تا توده مردم کمترین قربانی را همراه با بیشترین دستاورد دارا شوند. تئوری اینکه هرچه بیشتر کشته شود "بهتر و انقلابی" تر است تئوری ضد انسانی و در عین حال ضد انقلابی است. چون دقیقاً می‌تواند به یاس و سرخوردگی جنبش بدل شود و آناشسیسم را تقویت کند که نتایج آتی آن بسیار مضر برای کل جنبش انقلابی خواهد بود. لذا حزب ما خواهان طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. تنها طرح این شعار است که پرسش بعد از آنرا در دستور کار قرار داده و مطرح می‌سازد پرسشی که بعد از آن چه می‌شود گام بعدی است که باید با همه گیر شدن شعار قبلی در دستور کار قرار گیرد. حزب ما از شعار سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی حمایت می‌کند که دورنمای بعد از سرنگونی را نیز در متن خود دارد.

* * * * *

احمدی نژاد و میرحسین موسوی مدافعان نظام اند. سگ زرد برادر شغال است

پیام همدردی دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان) به مناسبت درگذشت زنده یاد کامبیز روستا، مبارز راه آزادی و استقلال

کامبیز روستا مبارز قدیمی و با تجربه جنبش راه آزادی، استقلال و دموکراسی ایران با سابقه بیش از ۵ دهه پیکار علیه دو رژیم ارتجاعی و استبدادی سلطنت پهلوی و جمهوری اسلامی در سحرگاه ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۹ در برلن به خاموشی گرائید.

مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ستم شاهی کامبیز روستا در کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و تلاش خسته گی ناپذیر وی در افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی بویژه در جریان دادگاه میکونوس آلمان و افشای تروریسم دولتی دستاربندان حاکم در ایران، از یاد نخواهد رفت و گرمابخش مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و استقرار ایران آباد و آزاد و شکوفان خواهد بود.

حزب کار ایران (توفان) یاد کامبیز روستا را گرمی میدارد و ضمن عرض تسلیت به خانواده، دوستان و یاران او، آرزوی موفقیت برای برگزارکنندگان شب یاد بود او در برلن می نماید.

یاد و خاطره زنده یاد کامبیز روستا گرمی باد!
سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان)

جمعه ۱۳ اوت ۲۰۰۹

آرمان استخریان نوجوانی که در شیراز کشته شد

آرمان استخریان ۱۶ ساله فرزند احمد، از کشته شدهگان حوادث پس از انتخابات که در سوم تیرماه بر اثر شدت ضربه‌ی وارده جان خود را از دست داده است.

آرمان استخریان جوان ۱۶ ساله‌ی که در تجمع سوم تیرماه شیراز حضور داشته است. این تجمع به درگیری بین نیروهای بسیج و لباس شخصی با مردم می‌انجامد. در این درگیری استخریان مضروب و به بیمارستان نمازی شیراز منتقل می‌شود. وی در حدود ۱۷ روز در کما بوده و پس از فوت، جسد وی پس از سه روز به صورت مشروط به خانواده تحویل داده شد. در پرونده پزشکی علت فوت تصادف ذکر شده است در حالی‌که شاهدان عنوان می‌دارند روز واقعه به علت حجم بسیار بالای جمعیت و همین‌طور درگیری‌های جاری اساساً امکان حرکت و حضور اتومبیل در منطقه درگیری وجود نداشته است. وی به همراه یکی از بسته‌گان خود در این تجمع حضور داشته است.

پس از تحویل جسد به خانواده‌ی استخریان، نیروهای امنیتی امکان برگزاری هرگونه مراسم را به خانواده نمی‌دهند و این خانواده تحت فشار مجبور می‌شود حتماً منزل مسکونی خود را در منطقه فخرآباد شیراز ترک کند، همچنین نیروهای امنیتی تمامی پارچه نوشته‌ها و دسته گل‌های ارسالی را جمع کرده و با خود بردند.

منبع (خبرگزاری هرانا)

۴۰۰۰ بازداشتی در روزهای اول درگیری ها از زبان خودشان



قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران روز سه شنبه ۲۰ مرداد ماه اعلام داشت گفت که در ابتدا ۴۰۰۰ نفر توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. سخنگو قوه قضائیه رضا جمشیدی به خبرنگاران گفت "در مسائل پیش آمده بعد از انتخابات ۴۰۰۰ نفر دستگیر شدند. وی گفت ۳۷۰۰ نفر "خیلی زود" آزاد شدند، آنهایی که در ناآرامیها درگیر بودند بازداشت شدند."

رژیم جمهوری اسلامی در ابتدای تظاهراتهای خیابانی تعداد دستگیر شدگان را قریب به ۴۰۰ نفر و کشته شدگان را ۱۰ نفر اعلام داشت. اما آنچه امروز موجب می شود این قاتلان کثیف گوشه ای از حقایق را به اطلاع عموم برسانند ناشی از فشار عظیم مردم، مادران داغدار و اعتراضات بین المللی است. شمار کشته شدگان طبق نظر علیرضا بهشتی سخنگوی کمیته تحقیق مجلس ۶۹ نفر است که این رقم دوبرابر آمار دولت کودتاست. آنچه از سازمانهای حقوق بشر و تشکلات غیر دولتی در ایران شنیده میشود شمار جانباختگان بیش از ۳۰۰ نفر و تعداد بازداشت شدگان رقمی بیش از ۱۰ هزار نفر تخمین زده میشود. مبارزه خانواده ها برای آزادی فرزندانهمچنان ادامه دارد و روزی نیست که درمقابل زندان اوین تجمع نکنند و خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم منفور جمهوری اسلامی که زندگی را بر آنها تلخ کرده است ابراز نمایند. مرگ بر رژیم فاشیست جمهوری اسلامی این قاتل جوانان آزاده و پر امید ایران!



این روزها شعار مرگ بر خامنه ای، خامنه ای قاتله ولایتش باطله به شعار سراسری مردم ایران که مضمونش همان شعار سرنگونی جمهوری اسلامی است بدل شده است.

بحران عمیق، زمزمه حذف علی خامنه ای و شورایی کردن اصل ولایت

وضعیت ایران بشدت بحرانی است، جامعه بشدت دچار سقوط اخلاقی است. گرانی بیداد میکند. روزنامه سرمایه چاپ تهران نوشته است که قیمت گوشت ران به ۱۳ هزار و ۵۰۰ تومان در کیلو رسیده است. گوشت مرغ نیز در دو هفته اخیر افزایشی بین چهار صد تا هفتصد تومان در کیلو را نشان میدهد. قیمت برنج و تخم مرغ، میوه و شکر و سایر مواد خوراکی بین ده تا پنجاه درصد افزایش داشته است. فقر، اعتیاد، فحشاء، رشوه خواری و دزدی و جنایت و زورگویی و خودسری مقامات مسئول و زیر پا گذاردن قانون خودشان و اعلام بی اعتباری همه این قوانین خود ساخته و اعلام رسمی اعمال سیاست استبدادی و نظایر آنها، همه و همه دستاورد جمهوری سرمایه داری اسلامی است. این را ما نمی گوئیم حکومت کودتاچی احمدی نژاد و خامنه ای با انتخابات قلابی که حتی خودی ها را کنار گذارده است می گوید. این رژیم مافیای سرمایه داری اسلامی است که می گوید ما به خودسری و پنهانکاری، و زد و بند خود ادامه می دهیم. ما به مردم اعتماد نداریم و تصمیمات را پشت پرده می گیریم. این ما هستیم که کودتا کردیم، مردم را فریفتیم و به پای صندوق رای کشانیدیم و با گلوله و شکنجه و کشتار نیز پاسخ اعتراضات آرام مردم را داده ایم. ما نیازی نداریم به مردم ایران گزارش دهیم. زندان کهریزک را فقط به خاطر «استاندارد» نبودش بستیم و نه چیز دیگر. ما ایران را ملک خصوصی خود می دانیم. ما هستیم که تصمیم می گیریم چه کسی حق دارد تا چه حد بشنود و چه کسی باید کر و کور باشد و حق حرف نداشته باشد. ما به نظر مردم نیاز نداریم، مردم ایران صغیرند و آن ولی فقیه است که قیم مردم است و بر همه نظارت دارد. ما به کسی توضیح نمی دهیم. ما هر کار را که خودمان صلاح بدانیم در میان محفل سرّی خود تصمیم می گیریم و به همه مردم تحمیل می کنیم. رژیم اسلامی کودتاگر، مردم را از آن خود نمی داند، همه چیز را از چشم مردم پنهان می کند پس چرا باید مردم این نظام کثیف را از آن خود بدانند؟ این همان وضعی است که اکنون در ایران پدید آورده اند. انتخابات قلابی، تقلب و فحاشانه، کشتار بیرحمانه مردم، تجاوز جنسی به پسران و دختران جوان، تواب ساختن یاران دیروزی که خود در ساختن این ماشین سلاخی نقش مهمی داشته اند، اذعان به شکست و اعلام بحران عمیقی است که رژیم را به بن بست کامل کشانده و وی را هر روز به پرتگاه سقوط نزدیک میگرداند. کودتای ۲۲ خرداد و تحولات بعد از آن آغازی برای پایان عمر رژیم جمهوری اسلامی است. پیشنهاد عزل احتمالی سیدعلی خامنه ای و "شورایی کردن اصل ولایت و قیح" و رفرم در چهارچوب قانون اساسی اسلامی برای خروج از بحران و حفظ جمهوری تبهکاران، قصابان و جلادان اسلامی که این روزها از سوی جناح محافظی از رژیم طرح میگردد دیگر کارساز نبوده و مردم ایران به کمتر از سرنگونی این نظام کثیف و خونریز رضایت نخواهد داد. مردم ایران برای محاکمه و مجازات این قاتلان، کلاشان و زالوصفاتان که در خلال سه دهه خون کارگران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، روشنفکران، زنان و جوانان و همه زحمتکشانش... رادر شیشه کرده اند بیتابی کرده و خود را برای نبرد نهایی و بر اندازی این نظام جهنمی آماده می نمایند. مرگ بردروغویان و مردم فریبانی که تلاش برای حفظ این نظام چرک و خون دارند.

توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران را بخوانید و آن را بدست دیگران برسانید!

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری - و. ا. لنین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهایی بشریت!